



Episode

68

ادیتور: lelouch

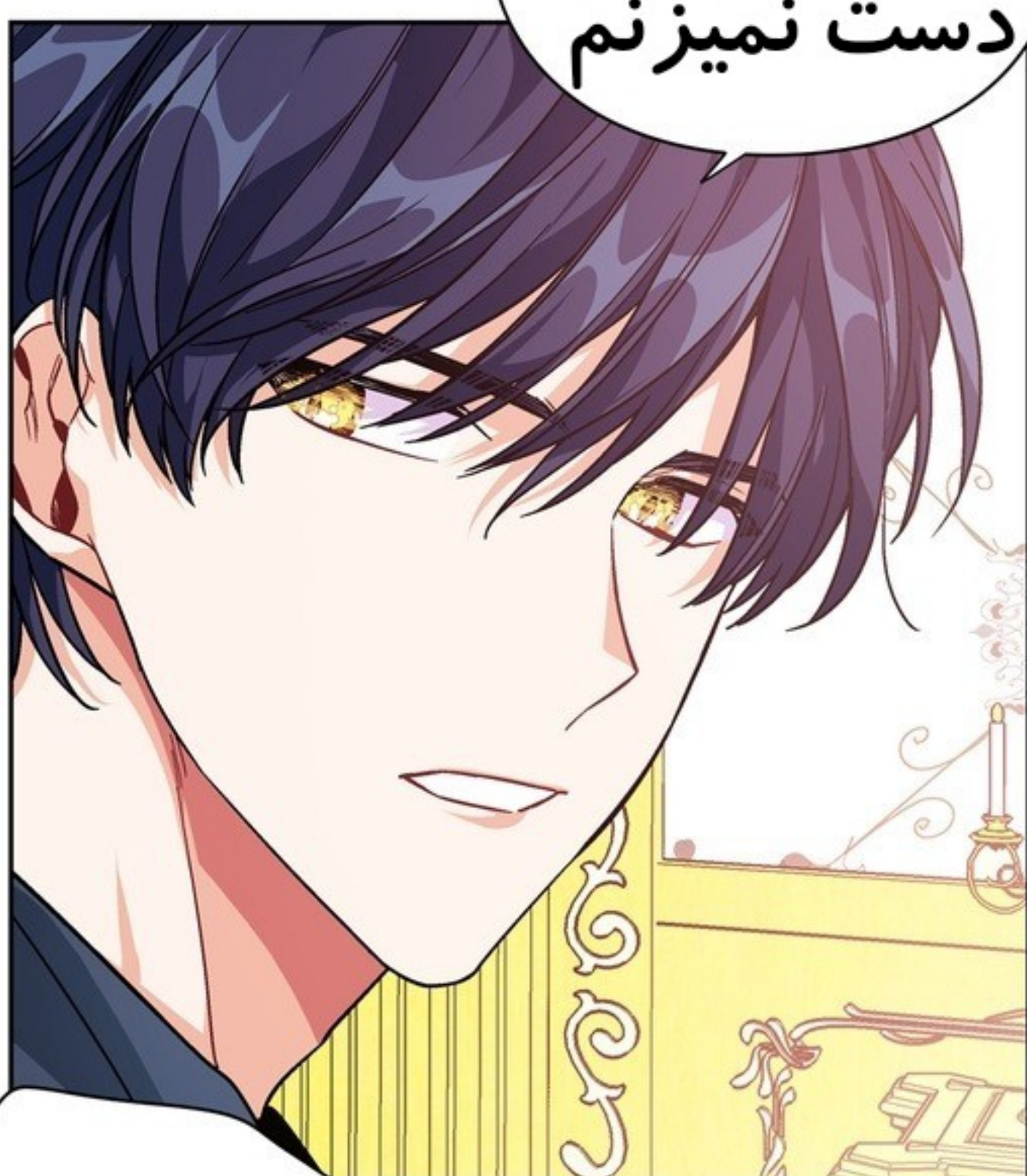
مترجم: Mehrnaz

اختصاصی از چنل

Miranka



فعلا
بمون، بهت
دست نمیزنم



ولی مگه همین
حالا بهم دست
نزدی؟





...من وحشت
کرده بودم



چی؟

خیلی وحشت
کردم وقتی فکر
کردم ممکنه
بمیریم

و من بعد عمل
خسته بودم ،
ولی...

...بعد اینکه شنیدم
چی گفتید خیلی
احساس بهتری
پیدا کردم

پیامشون
اینه،

"کارت عالی بود.
خوب انجامش
دادی..."

اول...
به هر حال،

خوب بخوابید!

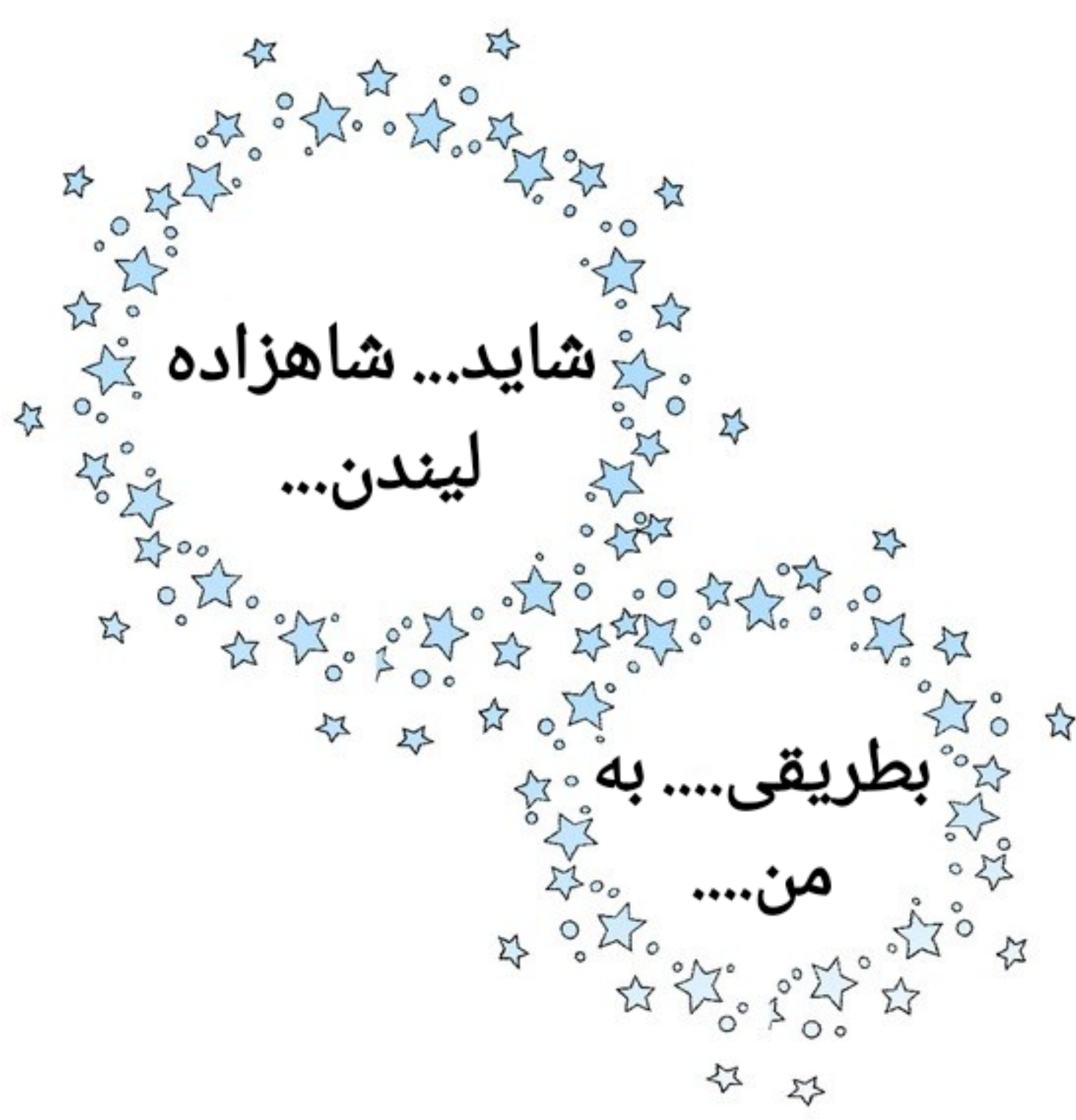




در مقایسه با کسی
که در زندگی
گذشتم میشناختم
انگاریه آدم
دیگست



شاهزاده در
واقع بامحبت و
دلسوزه؟



اگر فکر کردن به این
تصویرات و اداها بدم
نمیتونم بخوابم



بیا اول
بخوابیم. باید
بخوابم



...الیزه

...



خواهید؟



به نظر خواب
میاد



فکر کنم من و
به عنوان یه مرد
نمیبینم

میخواستم بعد
اینکه چکت کردم
برم، مثل
همیشه....



ولی وقتی دیدمش،
نتونستم جلوی خواستش
بودن باهات و بگیرم



حتی برای یه لحظه کوتاه،
درست مثل این، میخواستم با
اون باشم

باید شوکه
شده باشم



SIGH

نمیدونم چرا
نمیتونم خودم و
کنترل کنم. این
عادی نیست

تا وقتی بهم نگاه کنی،

و بهم لبخند بزنی حتی یکبار، بخاطر تو از
همه چیز دست میکشم

Umm...

...!

UGH...

ها؟ داره
کابوس میبینه؟

نمیر، لطفا

ک، کمک
کن... نمیخوام
بمیرم...







خوب، اسیر
ها
چطورن؟

هیچ چیز غیر
عادی وجود
نداره



اونا همه شوالیه های
آئورا هستن. کسی از
اونا رفتار پر خاشگرانه
ای نشون داده؟

نه، دستاشون
بستست



شوالیه های آئورا
عجب
دردسرين...

...با وجود اینکه
انرژی آئورایی که
ازش استفاده میکنن
خاص نیست.

آئورا انرژی ایه که در
طبیعت جریان داره ،
مثل آب، یا گرمای
آتش، یا حتی سرعت باد



برای کنترل
انرژی، شوالیه های
تکنیک مخصوص
نفس کشیدن دارن که
از شرق میاد

اگرچه ، چیزی که واقعا
مرموزه اینه که قدرت و
فقط

خانواده سلطنتی
رومانف به ارث میبرن



این قدرت وابسته به
جادویه، و فقط اعضای
سلطنتی امپراتوری
بریتیا میتونن ازش
استفاده کنن

در هر صورت...



واقعا مشکلی
نیست اگر با این
نقشه جلو ببریم؟

حتی در جنگ،
محدودیتی وجود
دارده که باید تا چه
حدی پیش ببریم

اگر نمیتون دست
هاشو و تگون بدن، به
کمک نیاز پیدا میکنن.
در حال حاضر کی
بهشون کمک میکنه؟

موریانی ها، طبق
دستور، اونا با افراد
جدیدی که با واگن چند
روز پیش رسیدن جابجا
شدن

خیلی خوب، و هیچکدوم
از سربازهامون با موریانی
های جدید ارتباط
فیزیکی ندارن که؟

بله، طبق
دستور، ما
فاصلمون و حفظ
میکنیم

خیلی خب.
مطمئن شو
همینطور پیش
بره

ولی سرهنگ، چرا
اجازه نداریم
بهشون نزدیک
بشیم؟

من از دور
دیدمشون. بنظر مریض
میومدن، و بعضی
هاشون حتی خونریزی
داشتن...

...کارت اینه
مطمئن شی نداری
کسی از این زندان
فرار کنه

لازم نیست بی جهت
به موریانی ها
نزدیک بشی

و اون مرد ها تا چند
روز دیگه آزاد میشن و
به امپراتوری میرن،
پس تا اون موقع کارت
و خوب انجام بده

چج؟

قراره آزاد بشن؟! ولی
مگه اونا شوالیه های
شمشیر زن نیستن؟!

...قراره اونارو با
چند تا از افرادمون
که حبس شدن
عوض کنیم



مک، جک! شما هر
دو به عنوان زندانی
گرفته شدن خیلی
دست و پا چلفتی
هستین



عالیجناب! بخاطر
ما اومدین...!



وقتی شما دو تا
هم دخیلید ،
معلومه که باید
پیام، درسته؟

سربازای
جمهوری
اذیتتون کردن؟

نه اصلا. اونا منصفانه
باهامون رفتار کردن
و حتی خدمتکار هم
برامون فرستادن

خدمتکار؟

بله. دستامون و بسته بودن،
برای همین موریانی ها
بهمون کمک کردن. ولی،
عالیجناب، شما یکم ناخوش
بنظر میرسید.

اوه، بخاطر يه چيز
خيلي پيش پا
افتاده يکم رنج
کشيدم

هي

آهخه...اون حشرات.
من ديگه به زندان
نميرم! ترجيح ميدم يه
فراري باشم تا اونجا
باشم!

حالا هر چي،
بيايد
برگرديم!

بله،
عاليجناب!

HA
HA

همه چيز طبق
نقشه پيش
ميره

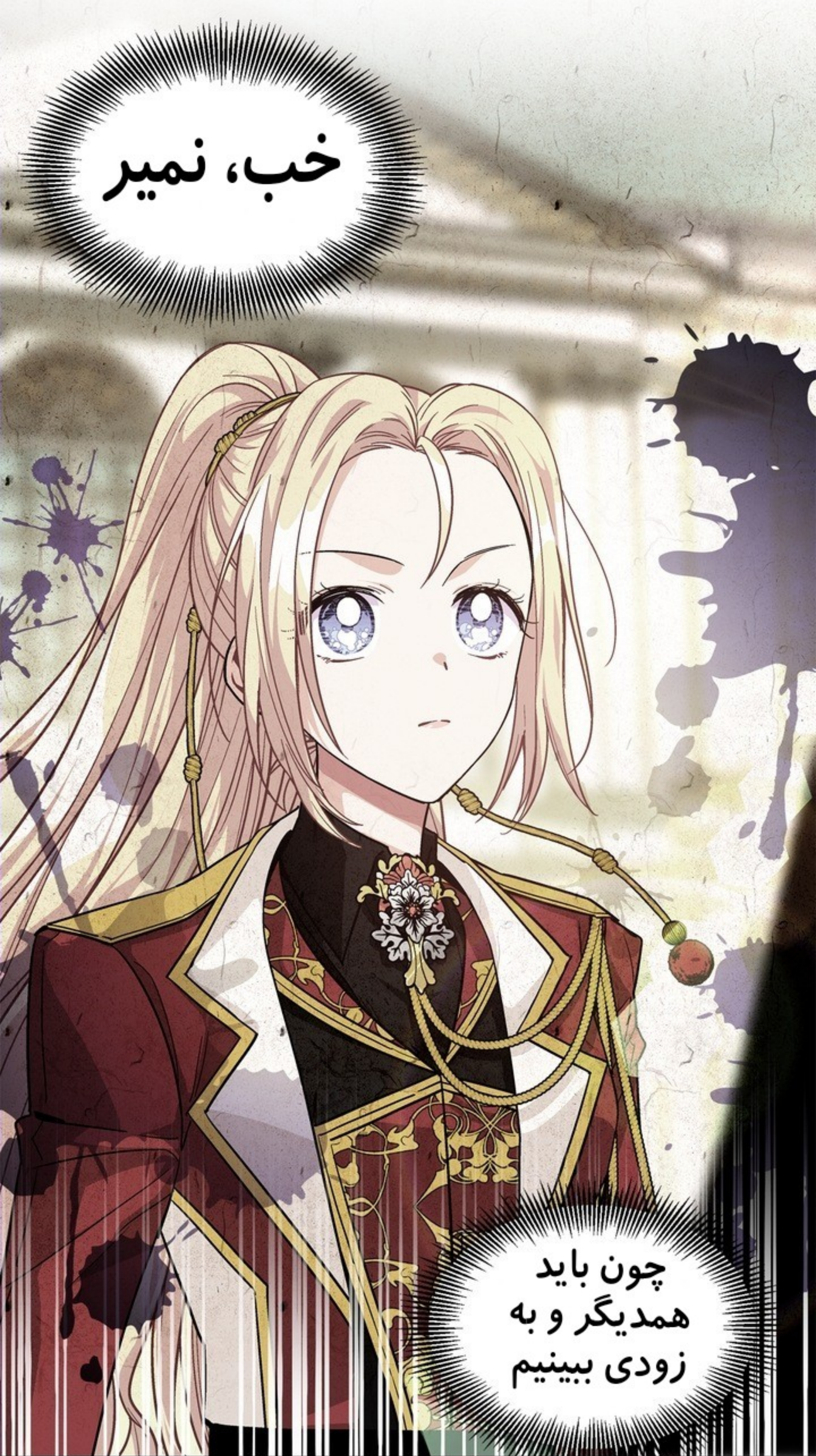
اگر اون شاهزاده
هم درگير بشه
خوب ميشه



در حال
حاضر شوالیه
ها در پراویو
هستند



پراویو شهر کوچکیه که
می‌تونه از سیمفریل
دیده بشه ، و احتمالا
پایگاه جدید امپراتوریه



To Be Continued